



چرخ زنده‌گی زیر پرچم استبداد



همزمان با رسیدن روز ملی بیرق، این دومین سال است که پرچم سوزنگ افغانستان خفته باقی مانده است. زمانی که پرچم سفید طالبان به اهتزاز درآمد و این گروه خود را حاکم مطلق بر سرنوشت و زنده‌گی مردم دانست، چرخ زنده‌گی بیش از سی و چهار میلیون تن رو به نابودی گرایید. با تبدیل شدن رنگ پرچم، زنده‌گی مردم نیز رنگ بدل کرده است. استبداد و ظلم فوران کرده و تفنگ و شلاق را بار دیگر بر سر مردم حاکم کرده‌اند. زنان و دختران را از اجتماع رانده و سرکشان را بدون هیچ جرمی تازبانه می‌زنند...



کاهش ۵۰ درصدی کمک‌های غذایی؛

احتمال روزافزون قحطی مردم را نگران کرده است

سیاست زمین سوخته طالبان در شمالی و حافظه کوتاه‌مدت ما

شورای مقاومت:

اهداف دیدار مقام‌های امریکایی با طالبان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد

طالبان تا کنون هیچ نتیجه مثبتی نداشته و نخواهد داشت و نباید به بهانه تعامل با این گروه، برای به‌رسیمت شناختن تسلط نامشروع آنان لابی‌گیری و زمینه‌سازی شود. این شورا اضافه کرده است که امریکا در حال حاضر در برابر دو گزینه قرار دارد: «احترام گذاشتن به حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی و خواسته‌های مشروع مردم افغانستان با تعامل با تروریسم و پیامدهای ناگوار آن.»

گفتنی است که وزارت خارجه امریکا به‌تازگی در اعلامیه‌ای اعلام کرده است که توماس وست و رینا امیری، نماینده‌گان این کشور از ۲۶ تا ۳۱ جولای به قزاقستان و قطر سفر کرده‌اند. بر بنیاد اعلامیه، نماینده‌گان امریکا در دوحه با هیاتی از نماینده‌گان طالبان و «متخصصان وزارت‌های کلیدی افغانستان دیدار خواهند کرد تا در مورد منافع حیاتی در افغانستان گفت‌وگو کنند.»

کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در آستانه دیدار توماس وست و رینا امیری، نماینده‌گان امریکا در امور افغانستان می‌گوید که اهداف دیدار مقام‌های امریکایی با طالبان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این شورای ناوقت روز شنبه، ۷ اسد، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که هرگونه گفت‌وگو یا تعامل با طالبان به هر بهانه و هدفی که باشد، این گروه را در «مواضع ضد انسانی و ضد بشری‌اش جسورتر» می‌سازد و سبب تغییرات مثبت در رویکرد طالبان و وضعیت افغانستان نخواهد شد.

شورای مقاومت ملی این دیدارهای نماینده‌گان امریکا با طالبان را «یکجانبه و ناقص» خوانده و تأکید کرده است که این مذاکرات باید جامع و با حضور همه جوانب دخیل در قضیه افغانستان انجام شود. در اعلامیه شورای مقاومت ملی آمده است «تعامل با

رنجر طالبان یک کودک هفت ساله را در کاپیسا زیر گرفت و کشت

۸صبح، کاپیسا: منابع مردمی در کاپیسا می‌گویند که یک رنجر جنگ‌جویان طالبان کودکی را در این ولایت زیر گرفته و کشته است. این رویداد روز شنبه، ۷ اسد، در روستای غفارخیل از مربوطات ولسوالی حصه اول کوهستان ولایت کاپیسا رخ داده است. به گفته منابع، سرنشینان این موتر از طالبان قندهاری بودند، اما پس از وقوع این حادثه از ساحه فرار کردند. طالبان تا کنون در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند. زیر گرفتن غیرنظامیان با وسایط نظامی از سوی طالبان بی‌پیشینه نیست. در اوایل سال نیز در پی برخورد رنجر جنگ‌جویان طالب با یک سه‌چرخه حامل غیرنظامیان در کاپیسا، هفت تن کشته و زخمی شدند.

نشست اقتصادی میان افغانستان و قزاقستان برگزار می‌شود

۸صبح، کابل: وزارت امور خارجه قزاقستان اعلام کرده است که هفته روان نشست مشترک اقتصادی میان آن کشور و افغانستان برگزار خواهد شد. خبرگزاری تاس روز جمعه، ۶ اسد، به نقل از وزارت خارجه قزاقستان گزارش داده است که در این نشست ۱۵۰ کارآفرین از بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله بانک‌های درجه دوم افغانستان اشتراک خواهند کرد. با این حال، از جانب قزاقستان نیز نماینده‌گان وزارت تجارت، بانک‌ها، شرکت‌های لوژستیک و ترانسپورت آن کشور با افغان‌های شرکت‌کننده مذاکراتی می‌داشته باشند. طبق گفته‌های این وزارت، این نشست از ۳ تا ۵ ماه اگست سال روان میلادی ادامه خواهد داشت. قرار است این نشست مشترک در شهر آستانه، پایتخت قزاقستان برگزار شود. این وزارت علاوه کرده است که در کنار آن، نمایشگاه کالاهای افغانی نیز برگزار خواهد شد و حدود ۷۰ شرکت از افغانستان در آن شرکت می‌کنند. این در حالی است که در اواخر هفته گذشته قزاقستان میزبان نشست نماینده‌گان امریکا و چهار کشور آسیایی دیگر درباره افغانستان بود.

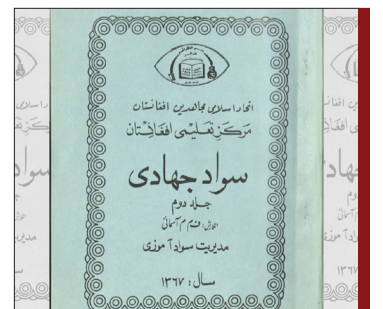


این وزارت اضافه کرده است که حمایت بشردوستانه از مردم افغانستان، ثبات اقتصادی، رفتار «عادلانه و شرافتمندانه» با تمام افغان‌ها، از جمله زنان و دختران، مسایل امنیتی و تلاش برای مقابله با تولید و قاچاق مواد مخدر از موضوعات مورد بحث نماینده‌گان امریکا و طالبان خواهد بود. طالبان نیز روز شنبه، ۷ اسد، اعلام کردند که سرپرست وزارت امور خارجه این گروه در راس یک هیاتی عازم دوحه، پایتخت قطر شده است.

مک‌کال: امریکا بدون قید و شرط به طالبان در افغانستان تسلیم شد



جهادی‌سازی نصاب معارف افغانستان قبل از طالبان





مک کال: امریکا بدون قیدوشرط به طالبان در افغانستان تسلیم شد



۸صبح، کابل: مایکل مک کال، رییس کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان امریکا، می‌گوید که این کشور بدون قیدوشرط به طالبان در افغانستان تسلیم شده است. رسانه‌های بین‌المللی، روز شنبه، ۷ اسد، گزارش دادند که مک کال در نشست استماعیه مجلس نماینده‌گان امریکا گفت که دولت بایدن به ارزش بیش از هفت میلیارد دالر تجهیزات در افغانستان را به طالبان رها کرد.

مک کال تصریح کرده است: «این عقب‌نشینی بدون قیدوشرط را تسلیمی بدون قیدوشرط به طالبان می‌نامم که اکنون افغانستان را تصرف کرده‌اند.»

به گفته وی، این تجهیزات به دشمنان امریکا و کشورهای «تروریست» فروخته می‌شود. این مقام امریکایی همچنان طرح کاهش تعداد نیروهای امریکایی به ۶۵۰ تن در افغانستان را «دیوانه‌کننده» خوانده است. رییس کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان امریکا با انتقاد تند از آزادی حدود ۱۲ هزار زندانی

تیراندازی طالبان بر عزاداران محرم در غزنی؛ شمار جان باختگان به چهار تن رسید

۸صبح، غزنی: منابع در غزنی می‌گویند که شمار جان باختگان ناشی از گلوله‌باری طالبان بر عزاداران در این ولایت، به چهار رسید.

منابع، روز شنبه، ۷ اسد، به روزنامه ۸صبح تایید می‌کنند که در پی تیراندازی روز گذشته طالبان در ساحه نوآباد شهر غزنی، به‌شمول یک کودک ۱۲ ساله، سه تن جان باخته و دست‌کم ۱۰ تن نیز زخمی شده‌اند.

به گفته منابع، این افراد در نتیجه شلیک مسقیم گلوله از سوی طالبان کشته و زخمی شده‌اند.

مسئولان محلی طالبان در غزنی تا کنون در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند.

طالبان در جریان مراسم عاشورای امسال محدودیت‌های زیادی را بالای شیعیان وضع کردند.

آنان در کنار سایر محدودیت‌ها فعالیت شبکه‌های مخابراتی را نیز در کابل، بلخ و غزنی قطع کردند.

گفتنی است که افراد طالبان بر تجمع عزاداران در ساحه دشت برچی هم به‌سوی عزاداران گلوله باری کرده‌اند. هنوز از تلفات تیراندازی این گروه در کابل اطلاعی در دست نیست.



طالب از زندان بگرام افزوده است که در میان آنان بمب‌گذاران انتحاری و اعضای گروه داعش نیز حضور داشتند.

براساس گزارش وزارت دفاع امریکا، این کشور از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ در مجموع ۱۸٫۶ میلیارد دالر تجهیزات به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان ارسال کرده است.

از این میان به ارزش ۷٫۱۲ میلیارد دالر تجهیزات پس از خروج امریکا در افغانستان باقی مانده است. این تجهیزات شامل هواپیما، مهمات هوا به زمین، موتورها، نظامی، تجهیزات ارتباطی و سایر مواد می‌شوند.

گفتنی است که طالبان پیش از این فروش سلاح‌های امریکا به کشورهای دیگر را رد کرده‌اند. این در حالی است که رییس کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان امریکا، هفته گذشته به‌دنبال بیشتر شدن دیدوبازدید مقام‌های شماری از کشورها با نماینده‌گان طالبان و سفر آنان به افغانستان گفت که این دیدارها به طالبان مشروعیت می‌دهد و این گروه را جسورتر خواهد کرد.

طالبان هفت تن را در بغلان و پنجشیر بازداشت کردند



تلفاتی وارد نشده است. از سوی دیگر، جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود ادعا می‌کند که در پی حمله نیروهای این جبهه بالای یک پایگاه طالبان در بغلان، تلفات سنگینی به این گروه وارد شده است. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. در همین حال، منابع محلی از بازداشت یک بزرگ قومی در پنجشیر نیز خبر می‌دهند.

منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گویند که طالبان این فرد را روز پنج‌شنبه، ۵ اسد، از دره عبدالله‌خیل ولسوالی دره این ولایت بازداشت و به‌جای نامعلوم انتقال داده‌اند.

فرد بازداشت شده گل آغا نام دارد و یکی از بزرگان دره عبدالله‌خیل است.

انگیزه بازداشت گل آغا معلوم نیست.

گفتنی است که چند روز پیش دفتر نماینده‌گی ملل متحد در افغانستان (یوناما) در گزارشی اعلام کرد که طالبان به بازداشت غیرنظامیان و نظامیان پیشین به‌ویژه در کابل و پنجشیر ادامه داده‌اند.

بربنیاد این گزارش، در حال حاضر نزدیک به ۱۵ هزار تن در زندان‌های طالبان زندانی هستند.

۸صبح، بغلان: منابع محلی در بغلان می‌گویند که طالبان شش تن را به اتهام عضویت در جبهه مقاومت ملی افغانستان، پس از یک درگیری نیم‌ساعته بازداشت کرده‌اند.

منابع با تایید این خبر به روزنامه ۸صبح می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان جمعه‌شب، ۶ اسد، بالای منزل فردی به نام زاهد در ساحه چرخ‌وفلک ولسوالی خوست بغلان، عملیات انجام دادند.

به گفته منابع، این عملیات پس از نیم‌ساعت درگیری و بازداشت شش تن به‌شمول زاهد که متهم به عضویت در جبهه مقاومت ملی است پایان یافت.

منابع می‌افزایند که در این درگیری به دو طرف

دو گردشگر داخلی هنگام شنا در ننگرهار غرق شدند



۸صبح، ننگرهار: منابع محلی در ننگرهار می‌گویند که دو جوان هنگام شنا در این ولایت غرق شده‌اند. منابع می‌گویند که این دو جوان، روز جمعه، ۶ اسد، در بند درونته از مربوطات شهر جلال‌آباد، مرکز این ولایت غرق شده‌اند.

به گفته منابع، افراد غرق شده باشندگان اصلی ولایت‌های شمال کابل بودند.

منابع می‌افزایند که اجساد جوانان غرق شده هنوز پیدا نشده، اما مردم محل در تلاش بیرون آوردن آنان از آب هستند.

مسئولان محلی طالبان در ننگرهار تا کنون در این

تفنگ‌داران ناشناس یک کشاورز را در فاریاب تیرباران کردند

۸صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب می‌گویند که یک مرد کشاورز در این ولایت از سوی تفنگ‌داران ناشناس تیرباران شده است. منابع روز شنبه، ۷ اسد، می‌گویند که این رویداد در ولسوالی المار فاریاب زمانی رخ داده که این کشاورز شب گذشته بالای کشتزار خود استراحت بوده است.

در همین حال، داملا معاوض، معاون مدیر مبارزه با جرایم جنایی فرماندهی امنیه طالبان در فاریاب با تایید این خبر می‌گوید که این مرد ۵۵ ساله عبدالمجید نام داشته و باشند قریه چغاتک ولسوالی المار بوده است.

به گفته او، عبدالمجید شب گذشته بالای زمین (پالیزش) توسط دو فرد تفنگ‌دار ناشناس با فیر سلاح نوع کلاشینکوف به قتل رسیده است.

افراد مسلح پس از قتل این کشاورز از ساحه فرار کرده‌اند.

این در حالی است که شام روز چهارشنبه هفته گذشته افراد ناشناس یک پسر جوان را با ضرب گلوله در ولایت سرپل به قتل رساندند.



فاریاب

مورد چیزی نگفته‌اند.

با گرم شدن هوا موارد مرگ ناشی از غرق شدن در آب بیشتر شده است.

سه روز پیش نیز سه دانش آموز یک مکتب در ولسوالی خوگیانی این ولایت در پی سقوط به یک حوض آب جان باختند.

کاهش ۵۰ درصدی کمک‌های غذایی؛

احتمال روزافزون قحطی مردم رانگران کرده است

سازمان ملل متحد اعلام کرده است که برنامه جهانی غذا به دلیل کاهش بودجه مجبور شده سقف کمک‌های خود به افغانستان را کاهش دهد. کارل اسکاتو، معاون مدیر اجرایی برنامه جهانی غذا (WFP) افزوده که این سازمان، پس از کاهش بودجه تنها به پنج میلیون تن در افغانستان قادر به کمک‌رسانی خواهد بود. او توضیح داده است که کمک‌ها از ۷۵ درصد به ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. برنامه جهانی غذا، پیش از این نیز گفته بود که با توجه به مشکلات مالی، مجبور شده است روند کمک‌رسانی را از ۱۵ میلیون تن به ۸ میلیون تن کاهش دهد.



قبل والی طالبان در دایکندی، کمک‌های بشری را به والی طالبان در غور تحفه داد. این دادوگرفت‌ها وجود دارد. بناءً میکانیسم‌های شفاف‌سازی نهادها ضعیف است.»

این آگاه امور اقتصادی تصریح می‌کند که کاهش کمک‌های بشردوستانه از نگرانی‌های جدی است، اما کشورها و نهادهای مدرسان باید پالیسی‌های سازنده، مفید و ارزنده را مبتنی بر واقعیت‌های میدانی به اجرا بگذارند تا شفافیت و پاسخگویی لازم به میان بیاید. به گفته او، روند توزیع کمک‌های بشری با سازوکار موجود، نگرانی تمویل‌کننده‌گان را نیز برانگیخته است.

شهروندان کشور در حالی از کاهش کمک‌ها نگرانی دارند و خواستار شفافیت‌سازی هستند که بیشتر نهادهای مدرسان، از تقلیل کمک‌ها و افزایش میزان نیازمندان، خبر می‌دهند. پیش از اعلام برنامه جهانی غذا، دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان (اوجا)، گفته بود که کمبود بودجه روند کمک‌رسانی در افغانستان را متاثر کرده است.

همچنان صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد در افغانستان (UNICEF) اعلام کرده بود که در نتیجه خشک‌سالی و ناامنی، شمار افراد نیازمند در کشور به ۲۹.۲ میلیون تن رسیده است. این نهاد سازمان ملل متحد هفته گذشته گفته بود که بحران اقتصادی در سال ۲۰۲۳ همچنان ادامه خواهد داشت و ۶۴ درصد از خانواده‌ها در کشور، قادر به تامین نیازهای اولیه‌شان نیستند.

افزون بر این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اعلام کرده که تا پایان ماه آگست سال جاری میلادی، به دلیل مشکلات مالی، کمک‌های خود به ۲۵ شفاخانه دولتی و مرکز صحتی در افغانستان را قطع می‌کند. پیش از این، منابع در این نهاد گفته بودند که کمک‌های صلیب سرخ در شفاخانه‌های دولتی برای ۲۵ میلیون تن از شهروندان کشور، خدمات صحتی عرضه می‌کرده است.

گفتنی است که نگرانی‌ها از کاهش کمک‌های بشری در حالی افزایش یافته که به‌تازگی گزارشی که برای دولت امریکا تهیه شده، از نفوذ و کنترل «تروریست‌ها» در کمک‌های بشردوستانه، پرده برداشته است. براساس این گزارش، طالبان به نهادهای بین‌المللی امداد‌رسان در افغانستان به‌طور سیستماتیک و هدف‌مند نفوذ کرده‌اند.

جای طالبان، نیازمندان را «مجازات» نکنند. محبوبه تاکید می‌ورزد: «هیچ‌کس را ندارم، تنها خدا و همین کمک‌ها به دادم می‌رسد. کار نیست. حتی از همین کمک‌ها کلچه جور می‌کنم، می‌فروشم و طرفی دیگر از ضرورت‌های خود را برآورده می‌سازم. کمک‌ها اگر قطع شود، مجبور دست به گدایی بزیم.»

با این حال، دین محمد، یکی از دهقانان ولایت غور که اکنون برای ادامه حیات، چشم به کمک‌های بشردوستانه دوخته، خواستار شفافیت و پاسخگویی در توزیع این کمک‌هاست. به گفته او، اگر سازمان ملل متحد و سایر نهادهای مدرسان، شفافیت را تضمین نتوانند، تمویل‌کننده‌گان از دست‌گیری نیازمندان افغانستان منصرف خواهند شد. این باشنده غور می‌گوید که یکی از راه‌های شفافیت‌سازی، کمک در بدل کار است. به گفته او، آثانی که توانایی کار دارند، باید در توسعه زیربناها و ثبات اقتصادی در سطوح مختلف سهیم شوند.

دین محمد، خشک‌سالی‌های متواتر و بیکاری روزافزون جوانان را عامل فرار جوانان این ولایت به خارج از کشور می‌داند. او می‌افزاید که طالبان به جای فشار وارد کردن، زمینه کار را فراهم سازند و مانع فرار نیروی کار به خارج از کشور شوند. دین محمد همچنان از خشک‌سالی شکایت می‌کند: «امسال به حدی خشک‌سالی است که گندم للمی به خوشه نرسیده، زرد شده است. کار هم نیست. به این حالت اگر موسسه هم کمک نکند، چه بخوریم؟» در همین حال، برخی از کارشناسان اقتصادی می‌گویند که کمک‌های بشردوستانه در وضعیت موجود، در کنار دست‌گیری نیازمندان، سبب تقویت فرهنگ «مفت‌خوری» در کشور می‌شود. به گفته آنان، نهادهای مدرسان باید در کارشویه‌های توزیع کمک‌ها و پالیسی‌های خود تجدید نظر کنند. از نظر این اقتصاددانان، سازمان ملل تا ابد نمی‌تواند به مردم افغانستان نان بدهد. به باور آن‌ها، این کمک‌ها باید زمینه‌ای برای اشتغال‌زایی و توسعه فرصت‌های اقتصادی باشد.

شمس‌الدین (مستعار) یکی از آگاهان امور اقتصادی که در حال حاضر در زیر سیطره طالبان زنده‌گی می‌کند، تاکید می‌ورزد که کمک‌های بشردوستانه، فرصت برای فریب شدن طالبان شده است. او می‌افزاید این کمک‌ها در کنار این‌که بخشی از آن به نیازمندان می‌رسد، طالبان نیز از آن استفاده می‌کنند. او می‌گوید: «شما دیدید که چند وقت

غذا در آن فعالیت می‌کند، کاهش یافته است. به گفته وی، برنامه جهانی غذا برای ادامه کمک‌رسانی در این کشورها به ۲۰ میلیارد دالر نیاز دارد که تمویل‌کننده‌گان، تنها پنج میلیارد آن را تامین کرده‌اند.

همچنان منابع می‌گویند که علاوه بر کاهش تعداد مستفیدشده‌گان از کمک‌های بشردوستانه، در مقدار و مبلغ این کمک‌ها نیز کاهش چشم‌گیری به میان آمده است. به گفته منابع، کمک‌های نقدی برنامه جهانی غذایی قبل از این بر هر خانواده هشت هزار و ۴۰۰ افغانی توزیع می‌شد و در حال حاضر این کمک‌ها به شش هزار و ۴۰۰ افغانی تقلیل یافته است. به گفته منابع، افزون بر کاهش کمک‌های نقدی، در مقدار کمک‌های مواد غذایی نیز کاهش آمده است.

برنامه جهانی غذا در حالی از کاهش کمک‌های بشردوستانه در افغانستان خبر می‌دهد که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، بیشتر شهروندان کشور به دلیل بیکاری، افزایش فقر و گرسنه‌گی و خشک‌سالی‌های متواتر با گرسنه‌گی شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در پی سقوط افغانستان به دست طالبان، علاوه بر کاهش زمینه‌های کاری و فرار سرمایه‌ها از کشور، زنان نیز خانه‌نشین شده‌اند که بر تشدید بحران بشردوستانه و وخامت وضعیت اقتصادی، افزوده است.

از سوی دیگر شهروندان کشور می‌گویند که طالبان در جریان دو دهه گذشته با انجام حمله‌های انتحاری و جنگ با نیروهای امنیتی حکومت پیشین، نان‌آوران هزاران خانواده را گرفته‌اند. به گفته آنان، خانواده‌های زیادی اکنون با نبود سرپرست با فقر و تنگ‌دستی مواجه شده‌اند. این شهروندان می‌افزایند که هزاران زن بیوه که پیش از این قادر بودند نان فرزندان‌شان را تامین کنند، در حال حاضر با اعمال محدودیت‌های طالبان بیکار شده‌اند و به کمک‌های بشری نیاز دارند.

محبوبه که شوهرش را در حوادث دو دهه گذشته در بدخشان از دست داده است، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که هیچ‌کسی را ندارد و خودش نان‌آور خود و تنها دختر خردسالش است. محبوبه می‌افزاید که کمک‌های برنامه جهانی غذا، دست او را از گدایی و دراز کردن به سوی دیگران، کوتاه ساخته است و حالا نگران قطع این کمک‌هاست. او از جامعه جهانی می‌خواهد که به

برنامه جهانی غذا اعلام کرده که به دلیل کاهش بودجه، مجبور شده است سقف کمک‌های خود در افغانستان را کاهش دهد. این سازمان افزوده که با توجه به کمبود بودجه، تنها

به پنج میلیون تن در افغانستان کمک‌رسانی خواهد کرد. برنامه جهانی غذا، بارها از کاهش کمک‌های تمویل‌کننده‌گان این سازمان برای رسیده‌گی به بحران بشردوستانه در افغانستان هشدار داده است. علاوه بر این، در مقدار و مبلغ کمک‌ها نیز کاهش چشم‌گیری به میان آمده است. با این حال، شهروندان کشور با ابراز نگرانی از کاهش کمک‌ها، تاکید می‌ورزد که نهادهای مدرسان، برای تامین شفافیت، برنامه‌های تبدیل پیشنهاد کنند تا این کمک‌ها علاوه بر رفع نیازمندی‌های فوری، برای توسعه و ثبات اقتصادی نیز به مصرف برسد. به گفته آنان، توزیع کمک‌ها در بدل کار، یکی از راه‌های تبدیل در وضعیت موجود است. این شهروندان می‌افزایند که روند کنونی ارایه کمک‌های بشری، اتهام‌ها مبنی بر دست‌برد طالبان از کمک‌ها را افزایش داده است. قبل از این، دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه در افغانستان (اوجا) نیز ابراز نگرانی کرده که به دلیل کمبود بودجه، کمک‌های بشری در این کشور کاهش می‌یابد. همچنان صلیب سرخ اعلام کرده که با توجه به مشکلات مالی، تا یک ماه دیگر کمک‌های خود را به ۲۵ شفاخانه دولتی متوقف می‌کند.

سازمان ملل متحد اعلام کرده است که برنامه جهانی غذا به دلیل کاهش بودجه مجبور شده سقف کمک‌های خود به افغانستان را کاهش دهد. کارل اسکاتو، معاون مدیر اجرایی برنامه جهانی غذا (WFP) افزوده که این سازمان، پس از کاهش بودجه تنها به پنج میلیون تن در افغانستان قادر به کمک‌رسانی خواهد بود. او توضیح داده است که کمک‌ها از ۷۵ درصد به ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. برنامه جهانی غذا، پیش از این نیز گفته بود که با توجه به مشکلات مالی، مجبور شده است روند کمک‌رسانی را از ۱۵ میلیون تن به ۸ میلیون تن کاهش دهد.

این مقام سازمان ملل خاطر نشان ساخته که سطح کمک‌ها در ۳۸ کشور از ۸۶ کشور که برنامه جهانی



امین کاوه

اهمیت مقاومت زنانه



مزدک پارسى

مقاومت زنانه در افغانستان هنوز نفس می‌کشد. نیرویی که بیش‌ترین ضربه را از رژیم خودکامه طالبان دیده است، همچنان برای تحقق خواست‌هایش مبارزه می‌کند. این دل‌گرم‌کننده و روحیه‌بخش است. درست است که اعتراض زنان در برابر طالبان رو به افزایش نیست؛ اما مقاومت زنانه هیچ‌گاهی پایان نیافته و به‌نظر نمی‌رسد که زنان به این زودی دست از اعتراض بردارند. مهم‌ترین دلیلی که می‌تواند ادامه مقاومت زنانه را در افغانستان تضمین کند، این است که طالبان دست از سر زنان برنمی‌دارند. اگر این گروه حقوق اولیه زنان را به آنان برگرداند و مانعی در برابرشان ایجاد نکند، خبری از مقاومت و اعتراض خیابانی نخواهد بود. اما در دستگاه تفکر بدوی طالبان زن نماد شر و فساد است و باید به‌شدت کنترل شده و به بند کشیده شود. این تفکر ارتجاعی با زندانی کردن زنان است که حس می‌کند مسوولیت

دینی خودش را به‌خوبی ادا کرده و بشریت را به مسیر درست رهنمون شده است. از نظر طالبان، زن شری است که نباید گذاشت از کنترل خارج شود. اگر این موجود «شور» از آزادی بهره‌مند گردد، فساد همه‌گیر خواهد شد و ستون شریعت از اساس متزلزل می‌شود. در امارت طالبانی تنها ملاها به‌معنای واقعی کلمه از آزادی لذت می‌برند. آنان آزادند دست به هر کاری بزنند. اگر کار خلافی از ملاها سر بزند، به‌گونه‌ای مجازات نمی‌شوند که یک فرد عادی می‌شود. در حکومت پیشین زیر نام «تبعیض مثبت» چه بهره‌برداری‌هایی که از زنان نمی‌شد. حالا در ملاسالاری طالبان این ملاها هستند که از این تبعیض مثبت بهره‌مند می‌شوند و به هرچه دوست دارند دست می‌یابند. چه در آن حکومت ظاهراً مدافع حقوق زنان و چه در رژیم زن‌ستیز کنونی، زنان بیش‌تر قربانی تبعیض مثبت بوده‌اند تا چیز دیگر. زن عنصر مرکزی در تفکر طالبانی است؛ نه به این



از نظر طالبان، زن شری است که نباید گذاشت از کنترل خارج شود. اگر این موجود «شور» از آزادی بهره‌مند گردد، فساد همه‌گیر خواهد شد و ستون شریعت از اساس متزلزل می‌شود. در امارت طالبانی تنها ملاها به‌معنای واقعی کلمه از آزادی لذت می‌برند. آنان آزادند دست به هر کاری بزنند. اگر کار خلافی از ملاها سر بزند، به‌گونه‌ای مجازات نمی‌شوند که یک فرد عادی می‌شود.

دلیل که زنان حق دارند از تمام امتیازهای یک شهروند امروزی بهره‌مند شوند، بلکه همه حقوق و امتیازهای یک انسان مدرن باید از آنان گرفته شود. زن‌ستیزی ضرورت وجودی طالبان است. اگر این گروه حقوق زنان را تامین کند، از خودش ماهیت‌زدایی کرده و به موجود دیگری بدل خواهد شد. آیا طالبان حاضرند تغییر کنند؟ نه. آنان مرگ را با خوشحالی می‌پذیرند، اما تغییر را نه. شکی وجود ندارد که مساله زنان در رژیم طالبانی ابعاد دیگری نیز دارد و یکی از آن‌ها امتیازگیری سیاسی از حقوق زنان است. اما اصل ماجرا چیزی است که عده‌ای آن را به‌درستی درک نمی‌کنند و به این دلیل، پیش از به قدرت رسیدن طالبان باور کرده بودند که این گروه تغییر کرده است. حالا به لطف فرمان‌های زن‌ستیزانه ملا هیت‌الله که هرازگاهی صادر می‌شود، کم‌تر کسی می‌تواند روایت مضحک «تغییر طالبان» را باور کند.

دیالکتیک مقاومت زنانه

در شرایطی که گروه طالبان حاضر به تغییر خود نیست و با گذشت هر روز قیدوبندها بر زنان را بیش‌تر می‌کند، زنان چاره‌ای ندارند جز ادامه مقاومت علیه زن‌ستیزترین رژیم دنیا. طالبان بیش‌تر از هر نیروی دیگر با عملکردشان به زنان در این کارزار انگیزه می‌دهند و به مقاومت آنان عمر طولانی‌تری می‌بخشند. تا زمانی که طالبان دست از اقدامات محدودکننده علیه زنان برندارند و حقوق سلب‌شده آنان را برنگردانند، مبارزه محروم‌ترین قشر جامعه در برابر رژیم خودکامه طالبان ادامه خواهد یافت. این درگیری زمانی پایان می‌یابد که یکی از دو طرف

بازی دیالکتیکی وجود نداشته باشد. یا زنان باید شکست خود را بپذیرند و از میدان مبارزه خارج شوند، یا طالبان سیاست زن‌ستیزی را کنار گذاشته و به تغییر ماهیت ایدئولوژیک‌شان تن دهند. اکنون که طالبان حاضر به پذیرش این تغییر نیستند، زنان دو راه بیش‌تر در برابر خود ندارند: یا تسلیم سیاست سرکوب شده و دست از مقاومت بردارند که در این صورت، چاره‌ای جز پذیرش چهاردیواری خانه ندارند، یا به مبارزه علیه رژیم زن‌ستیز ادامه دهند که در این صورت، با وجود تهدیدهای بی‌شماری که متوجه زنان خواهد بود، آینده بهتری در انتظارشان است. تا حالا که زنان گزینه دوم را انتخاب کرده‌اند و در این راه، هر گونه خطری را با جان و دل خریدارند.

شکی وجود ندارد که سرکوب شدید منجر به کاهش اعتراض‌های زنان شده است؛ اما آنچه اهمیت دارد ادامه این مقاومت زیر سایه ترسناک‌ترین و مخوف‌ترین رژیم دینی در سطح منطقه است؛ رژیمی که حتا تحمل کوچک‌ترین اعتراض در برابر عملکردهای ضد انسانی‌اش را ندارد و می‌خواهد

مردم به رعیت مطیع و فرمان‌بردارش بدل شوند. زنان اما تا این جای کار بیش‌تر از هر نیروی دیگر با مقاومت شجاعانه و پی‌گیر در برابر سیاست رعیت‌سازی طالبان ایستاده‌اند و در حد توان‌شان ثابت کرده‌اند که زنده‌گی نکبت‌باری را که این گروه برای آنان تدارک دیده است، نمی‌خواهند. مقاومت زنانه حتا اگر بیش‌تر از این هم فروکش کند، بازهم از اهمیتش کاسته نمی‌شود. نفس وجود این مقاومت در شوره‌زاری به‌نام افغانستان دل‌گرم‌کننده و امیدبخش است؛ کشوری که غم نان از مردانش برده‌گان تمام‌عیار امارت طالبانی ساخته و تنها چیزی را که به آن نمی‌اندیشند، ایستاده‌گی در برابر استبداد هاری است که کم‌کم دارد تمام عرصه‌های زنده‌گی شهروندان افغانستان را تسخیر می‌کند.

اگر بقیه شهروندان افغانستان نیز با پیوستن به اعتراض زنان به مقاومت علیه موج رو به افزایش اشغالگری طالبان رنگ و رونق تازه‌ای بدهند، عمر این رژیم ضد مردمی کوتاه‌تر از آنی خواهد بود که تصور می‌شود. اصلاً هیچ قدرتی نمی‌تواند خشم در حال فوران مردم را تنها با استفاده از زور و نیروی نظامی از میان ببرد. استفاده از خشونت در برابر اعتراض‌های مسالمت‌آمیز، تنها به نفرت و انزجار مردم از رژیم‌های مستبد می‌افزاید؛ خشم و نفرتی که اگر از مقاومت خاموش وارد مرحله مقاومت فعال شود، پایان رژیم آپارتاید جنسیتی خیلی زود رقم خواهد خورد. اما اگر مقاومت خاموش کنونی همچنان درج‌زده و راكد باقی بماند، مقاومت زنانه نیز موفقیت کلانی به‌دست نخواهد آورد و حتا ممکن است بیش‌تر از این فروکش کند.

سیاست زمین سوخته طالبان در شمالی و حافظه کوتاه‌مدت ما

مردم افغانستان نسبت به مسایل ناموسی به‌شدت حساسند و کم‌تر کسی حاضر است در مورد این مقولات با صراحت و بدون لکنت زبان حرف بزند. اما در این میان، دردناک‌تر این است که سکوت در برابر جنایت‌ها و مخفی نگه داشتن آن، به نوعی آب ریختن به آسیاب جنایت‌پیشه‌گان است.

سالار



پرداخته شده و چرا هیچ نهادی تا کنون توجهش را معطوف به مستندسازی حوادث تراژیک آن سال نکرده است؟ این در حالی است که ملت‌های دیگر جهان، در مورد حوادث به‌مراتب کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر از این، اقدام‌های شایسته صورت داده و برای ثبت دقیق و علمی این حوادث در حافظه جمعی، تمام سعی خود

کردند و خلاصه کوشیدند حتا اثری از زنده‌جان در آن جغرافیا باقی نماند. در این برهه کوتاه زمانی، داستان‌های گریه‌آور بسیاری روی داده است؛ اما هنوز کم‌تر مستند و مکتوب شده است. سوالی که هر وقت با مرور و بازخوانی آن حوادث ذهن را می‌آزارد این است که چرا به جنایت‌های طالبان در آن مقطع زمانی کم‌تر

ماه اسد برای مردمان مناطق شمال کابل یادآور داستان کوچ دسته‌جمعی و اجباری آنان از سوی طالبان در سال ۱۳۷۸ خورشیدی است. مطابق آمار سازمان ملل متحد، در اسد آن سال، ۴۰۰ هزار تن از شمالی کوچانده شدند که اکثریت آن‌ها مجبور به فرار به پنجشیر شده بودند. فاجعه این‌گونه شکل گرفت که جنگ‌جویان شمالی برای مدت طولانی لشکر طالبان را در شمالی زمین‌گیر و آسیب‌های جدی بر ماشین جنگی طالبان وارد و طی درگیری‌های طولانی و نفس‌گیر، تلفات سنگینی بر جنگ‌جویان این گروه تحمیل کردند. نیروهای مهاجم که متشکل از جنگ‌جویان داخلی و خارجی و مجهز با ادوات جنگی پیشرفته بودند، پس از تصرف این مناطق دست به انتقام‌جویی کور و وسیع زدند؛ به کشتار دسته‌جمعی پرداختند، خرمن‌ها را طعمه حریق ساختند، جنگل‌ها را به آتش کشیدند، کانال‌های آب را منفجر کردند، کشتزارها را نابود کردند، مردم را مجبور به کوچ اجباری

را به‌کار بسته‌اند.

علت‌های متفاوتی را می‌توان در این زمینه دخیل دانست. یکی از علت‌ها این می‌تواند باشد که افغانستان کشور عقب‌افتاده است و فرهنگ پاسداری از خاطرات جمعی در آن رواج ندارد و بی‌اهمیت است (مردمی که برای بقا می‌زنند، چه می‌دانند حافظه تاریخی چه چیزی است). ساکنان این سرزمین هنوز هم وابسته به فرهنگ شفاهی‌اند و از عهده مکتوب یا مستند کردن حوادث برنمی‌آیند. از جهت دیگر، حافظه جمعی نیز موضوع و مفهوم اکتسابی و برساخته است و امر تکوینی و ذاتی نیست. با توجه به این موضوع، شاید دست‌های پیدا یا پنهان در پی این بوده‌اند که این حوادث را از ذهن این ملت بزدایند و تاریخ را به ذوق خود مهندسی و چشم‌انداز آینده را به‌گونه دیگری طراحی کنند. ملت‌هایی که به انباشت تجربه‌ها ارزش قایل باشند، از گذشته عبرت می‌گیرند و اشتباهات گذشته را تکرار نمی‌کنند.

چرخ زنده‌گی زیر پرچم استبداد

بهنیا



همزمان با رسیدن روز ملی بیرق، این دومین سال است که پرچم سه‌رنگ افغانستان خفته باقی مانده است. زمانی که پرچم سفید طالبان به اهتزاز درآمد و این گروه خود را حاکم مطلق بر سرنوش و زنده‌گی مردم دانست، چرخ زنده‌گی بیش از سی‌وچهار میلیون تن رو به نابودی گرایید. با تبدیل شدن رنگ پرچم، زنده‌گی مردم نیز رنگ بدل کرده است. استبداد و ظلم فوران کرده و تفنگ و شلاق را بار دیگر بر سر مردم حاکم کرده‌اند. زنان و دختران را از اجتماع رانده و سرکشان را بدون هیچ جرمی تازیانه می‌زنند. مردان مجبور شده‌اند که برای زنده ماندن و جستن لقمه‌ای نان برای عیال خویش تابع امر طالبان باشند و گردن به خواسته‌های آنان خم کنند. نظام اقتصادی فرو پاشیده و دغدغه همه نان گشته است. فقیران فقیرتر و غنی‌ها درمانده شده‌اند. خیلی از مردم به جرم صدا بلند کردن در برابر استبداد، در بند و سپس گلوی‌شان بریده شده است. ترس از شکنجه طالبان همه را بی‌روح و بی‌زبان کرده است. صداها هر روز خفته‌تر از قبل می‌شود.

پایه‌های علم و دانش که در دو دهه اخیر رنگ و رمق تازه به خود گرفته بود، فرو پاشیده است. نخبه‌گان، دانشمندان، استادان و اهل علم و خرد که سال‌ها برای ترویج علم از جان‌شان مایه گذاشتند، حالا کوچیده‌اند. با این پدیده اسفبار یک بار دیگر فرار مغزها رقم خورده است. تحصیل و تعلیم دختران به امر ثانی موکول شده است و از آن امر با گذشت دو سال هنوز خبری نیست. امر ثانی حاکمان طالبان ریسمانی از ناامیدی را به قصد نابودی رویاهای دختران بر گلوی آنان انداخته است که با گذشت هر روز آن را بر خرخره آن‌ها نزدیک‌تر می‌کند. این امر

سبب شده است که نیمی از جمعیت کشور در سوگ از دست دادن رویاهای‌شان زانوی غم بغل کنند و افسرده‌گی حاد را تجربه نمایند. شهرها بی‌روح و بی‌جنب‌وجوش و زنده‌گی شهروندان به نخ پاریک وصل شده است. خوشی‌ها ناپدید گشته و غم گلیمش را گسترده‌تر پهن کرده است. جوانان به قیمت جان‌شان رخت سفر به سوی رهایی یا مرگ می‌بندند. تعدادی از مخاطرات این راه جان سالم به در می‌برند و تعدادی خوراکی ماهی‌ها و دزدان راه‌های پرخم‌وپیچ مهاجرت غیرقانونی می‌شوند. آثانی که هنوز زیر پرچم طالبان نفس می‌کشند، در صدد فرارند. امیدها رخت بسته و ناامیدی‌ها بر زنده‌گی مردم سایه افکنده است.

روایت زنده‌گی هر افغان از دو سال پسین زیر پرچم استبداد طالبانی، جان‌سوز و نفس‌گیر است که شنیدن آن دلی از سنگ می‌خواهد. تعدادی از ناداری و گرسنه‌گی می‌نالد، تعدادی از کشته شدن عزیزان‌شان، برخی از رویاهای برادررفته‌شان و کسانی نیز از تازیانه‌های طالبان. آنگاه می‌شنوی که مادری از دلواپسی‌های فرزند مسافرش زارزار می‌نالد، پدری از ناتوانی در پر کردن شکم عیالش، دختری از محرومیت از درس، تحصیل و نسبت به آینده نامعلوم و تاریک، زنان شاغل نسبت به از دست دادن شغل‌شان و پسران از زنده‌گی پرمشقتی که نمی‌دانند فرجام آن چیست. این روایت‌های تلخ از زبان‌ها فراری و به‌گونه کتبی چنین جاری شده است.

شفیقه، دانشجو و یکی از آموزگاران زن در شهر کابل است. پس از حاکمیت طالبان، یگانه همدرد روزهای نکبتش قلم و کتابچه است تا ناگفته‌هایش را در لای ورق‌های آن بریزد. دل‌نوشته‌هایش همه از درد

پایه‌های علم و دانش که در دو دهه اخیر رنگ و رمق تازه به خود گرفته بود، فرو پاشیده است. نخبه‌گان، دانشمندان، استادان و اهل علم و خرد که سال‌ها برای ترویج علم از جان‌شان مایه گذاشتند، حالا کوچیده‌اند. با این پدیده اسفبار یک بار دیگر فرار مغزها رقم خورده است. تحصیل و تعلیم دختران به امر ثانی موکول شده است و از آن امر با گذشت دو سال هنوز خبری نیست.

و ناامیدی است و خواندنش روح در وجود انسان را می‌آزارد. در یکی از آن ورق‌ها از دو سال زنده‌گی زیر پرچم طالبان چنین نوشته است: «آفتاب دیگر تابش ندارد. نمی‌دانم شاید من حس‌وحال قدیمی را ندارم. در کشور خود احساس بیگانه‌گی می‌کنم. هر جایی می‌روم، باید ببینم نظر به جنسیتم چه قانون‌هایی برایم وضع کرده‌اند. نوشتن دردها آن قدر هم برای من مشکل نیست؛ چون این روزها تنها همراه همین قلم و کتابچه یادداشت است. می‌خواهم بشنوی: باید استوار باشی و احساسم را درک کنی. من مهاجر شهر و کشور خودم هستم. نمی‌توانم درسی که حق مدنی من است را بخوانم. محکوم به زن بودنم، برای همین حق کار ندارم. دو سال است بال‌های پروازم را بسته‌اند. بعد از این باید مردانه‌وار پیش بروم؛ چون اگر زن باشم، ترس و دلپره قدم زدن در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر را از من خواهد گرفت.»

قدریه، دانشجوی دیگر، نیز محکوم به حبس خانه‌گی از سوی حاکمان کشورش شده است. او از دو سال پسین زنده‌گی‌اش چنین نوشته است: «من طی دو سال زیر پرچم طالبان حس می‌کنم فقط نفس می‌کشم؛ چون نتوانستم رشته‌ای که دوست داشتم را ادامه بدهم. طرز پوشش اختیاری را از دست داده‌ام و نصف خانواده و دوستانم کشور را ترک کرده‌اند. مدت دو سال است که من از درس، کار و تفریح منع شده‌ام. این روزها از ترس بدرفتاری و ظلم طالبان حتا راحت نمی‌توانم با دوستانم به رستوران بروم یا در جاده‌های کابل پیاده‌روی کنم.»

فهیم پس از سقوط کابل فرسخ‌ها دور از مملکتش در کشوری بیگانه جا خوش کرده است. او از درد بی‌وطنی و حال گرفته‌اش چنین قلم زده است:

«شهر زیبایی است. انسان‌های خوب و نرم‌خویی دارد. تا دلت بخواهد، می‌توانی بگردی و بخندی. کلمه آزادی و احترام به حقوق بشر اولویت همه چیز است، اما گاهی نفسم در این جا بند می‌آید. افسرده و حال گرفته‌ام. کشور خودم نیست و انگار این جا مرا نمی‌خواهد. سال‌ها زحمت درس خواندنم به باد فنا رفت. احساس بیگانه بودن وجودم را متلاشی می‌کند. دلواپس خانواده‌ام هستم. مادرم را می‌خواهم تا بار دیگر موهایم را نوازش دهد. پدرم را می‌خواهم تا بالای شانه‌هایم سرم را بگذارد. خواهر و برادرم را می‌خواهم تا با آنان سر هر موضوع اختلاط کنم. از همه بیشتر کشور آزاد و آبادم را می‌خواهم.»

این تنها فهیم نیست که از درد آواره‌گی می‌نالد و با نوشتن چند سطر درد دلش را خالی می‌کند. این طرف مرز خانه و خانواده‌اش نیز از هم متلاشی شده است. خواهر و برادرانش از حاکمیت استبدادی طالبان به ستوه آمده و ترک وطن کرده‌اند. قلاب زنده‌گی رخ بدش را دور داده و همه را به کشورهای مختلف به دور از عزیزان‌شان پرتاب کرده است. جز مادر، پدر و خواهر خردش، همه از زیر پرچم طالبان فرار کرده‌اند. مادرش این روزها حال خوشی از دوری فرزندان ندارد. حالش به مجنون می‌ماند که در فراق یار است و از وصال خبری نیست.

اما این حال و روزگار یک خانه و خانواده نیست؛ بلکه پس از حاکمیت طالبان همه با سرنوش مشابه دچار شده‌اند. دل‌نوشته‌های نسترن از رخ بد زنده‌گی، جان‌سوزتر و پرگدازتر است: «سکوت‌ها فریاد می‌زنند. تنهایی جشن می‌گیرد. عشق می‌گریزد و غم جانشین می‌شود. کوچ‌های شهر که نفس‌های امید در آن به شمارش افتاده، نبض آرامش را قطع کرده‌اند. انسان‌ها یکی‌یکی از تکه جغرافیایی که همه در آن از زنده‌گی سیر آمده‌اند، کوچ می‌کنند.»

سطرها کم و واژه‌ها پر درند. این واژه‌ها حال روزگار مردم درمانده و بیچاره را بیان می‌کند که جز زنده ماندن زیر پرچم استبداد، چاره‌ای ندارند. چرخ زنده‌گی همه قشرها، چه کودک، جوان، میان‌سال و پیر به سوی نابودی گراییده است. ترس و ناامیدی به تن همه پنجه کشیده است. بسیاری بساطشان را برچیده و کوچیده‌اند و تعدادی نیز در تقلا رخت بستن هستند. همه برای نجات از زیر پرچم طالبان به دنبال رستن و رهیدن هستند. اکنون افغانستان تبدیل به کشوری شده است که دیگر به درد زنده‌گی شهروندان نمی‌خورد. از این کشور رنگ، زنده‌گی و انسان‌ها رخت بسته‌اند. با قدرت‌گیری دوباره طالبان، امید به زنده‌گی در بین مردم آفت بی‌پیشینه داشته است. طالبان تبدیل به کابوس وحشت‌ناکی شده است که دو سال بر سر مردم سایه افکنده و روند عادی زنده‌گی مردم را مختل کرده‌اند.

جهادی‌سازی نصاب معارف افغانستان قبل از طالبان

نورین نظری

ندارد. بنابراین اگر طالبان نصاب تازه‌ای را بر معارف افغانستان تطبیق کنند، بازتولید نصاب و ادبیات جهادی‌ای است که قبلاً توسط گروه‌های جهادی پخش و نشر شده بود. بنابراین بررسی پیشینه و نمونه‌های کتاب‌های درسی جهادی لازم است تا سابقه جهادی‌سازی معارف افغانستان از حافظه جمعی ما پاک نشود. برای تشریح این موضوع، نوشته حاضر محتوای کتاب‌های درسی جهادی را در دو بخش مرور می‌کند. بخش نخست میزان و چگونگی خشونت در کتاب‌های جهادی را بررسی می‌کند. بخش دوم به تحلیل متن سه جلد کتاب جهادی زیر عنوان «سوادآموزی جهاد» که در سال ۱۹۸۷ چاپ شده است، می‌پردازد. سلسله قبلی این رشته از کتاب‌های جهادی در سال ۱۹۸۶ چاپ شده بود. جلد دوم رشته نخستین به‌عنوان «الفبای سواد جهادی» به دلیل پرداختن به امور زنان نیز در

بخش دوم این نوشته بررسی شده است.

بخش نخست: درک عمومی از خشونت‌زا بودن کتاب‌های جهادی

در اوایل دهه هشتاد میلادی گروه‌های جهادی از کتاب‌های درسی به‌عنوان بستری برای شست‌وشوی مغزی کودکان و عسکرگیری برای جنگ در افغانستان استفاده کردند. طراح نصاب تعلیمی جهادی، دانشگاه نبراسکا بود که با همکاری مجاهدین از راه گنج‌آیدن متن‌های خشونت‌آمیز در کتاب‌های درسی برنامه مبارزه آمریکا بر ضد کمونیسم را تقویت می‌کرد (اسپینک ۲۰۰۷؛ برد ۲۰۱۴). گروه‌های جهادی محتوای خشونت‌آمیز این کتاب‌ها را براساس خطوط قومی، فرقه‌ای و زبانی خود نشر و پخش می‌کردند (جونز، ۲۰۰۹). اما پس از این‌که در آستانه خروج شوروی‌ها از

افغانستان «اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان» توسط تنظیم‌های جهادی ایجاد شد و این نهاد «مرکز تعلیم و تربیه برای افغانستان» را در پاکستان به وجود آورد، دانشگاه نبراسکا پخش و نشر این کتاب‌ها را انسجام و مرکزیت بخشید. از پول هنگفتی که به نشر و پخش این کتاب‌ها مختص شده بود، می‌توان به نقش نصاب تعلیمی جهادی برای شست‌وشوی مغزی کودکان افغان پی برد. مثلاً تنها بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ کتاب‌های درسی خشونت‌زا با بودجه پنجاه میلیون دالری سازمان توسعه ایالات متحده آمریکا تولید و نشر شد (کولسون، ۲۰۰۴). به این ترتیب، ادبیات جهادی در کتاب‌های درسی کودکان افغانستان دهه‌ها با حمایت فراوان نهاد‌های غربی در دوران بود.

ادامه در صفحه ۶

جهادی سازی...

محتوای کتاب‌های درسی جهادی از منظر متفکران حوزه آموزش خشونت‌زاست (بورد ۲۰۱۴؛ جونز ۲۰۰۹؛ جورجسکو ۲۰۰۸؛ اسپینک ۲۰۰۵؛ دیویس ۲۰۰۲). این کتاب‌های درسی تا حدی خشونت‌زا بود که در سال ۱۹۹۸ یعنی دوازده سال پس از نخستین انتشار آن‌ها، نهادهایی مانند یونیسف، سازمان حمایت از کودکان ملل متحد و سازمان توسعه ایالات متحده آمریکا در همکاری با هم نصاب درسی بدیلی را به نام «آموزش ظرفیت پایه» برای کودکان مهاجر افغان به وجود آوردند؛ اما آن کتاب‌های درسی به دلیل این‌که زبان خشونت‌پرهیز داشت، نتوانست رقیب کتاب‌های خشونت‌زای جهادی شود (اسپینک ۲۰۰۷). به این دلیل کتاب‌های جهادی همچنان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

کتاب‌های جهادی پر از پیام‌های خشونت‌آمیز بود. مثلاً کتاب‌های ریاضی جهادی عمدتاً به شمارش گلوله‌ها، شمارش اجساد روس، شمارش سلاح و امثال آن می‌پرداخت (بورد ۲۰۱۴؛ ظریفی ۲۰۱۳؛ جونز ۲۰۰۹؛ ژرژسکو ۲۰۰۸؛ اسپینک ۲۰۰۵؛ کولسون ۲۰۰۵؛ دیویس ۲۰۰۲). کتاب‌های زبان فارسی-دری گروه‌های جهادی افراط‌گرایی را از آغاز یادگیری الفبا به ذهن کودکان مهاجر افغان تعبیه می‌کرد. مثلاً ج جهاد بود (دیفیس، ۲۰۱۰)، ت تفنگ (برود، ۲۰۱۴ و ص ۷۵)، ش شهادت و غیره. در حالی که در کتاب‌های وزارت تعلیم و تربیه افغانستان در آن زمان ج جواری بود، ت توت بود، ش شوری بود و امثال آن. در مضمون دری صنف پنجم کتاب‌های جهادی به اهمیت جهاد چنین پرداخته شده بود: «بر مسلمانان جنگیدن در راه خدا واجب است. پیامبر فرمود با مال و جان و گفتارت با کافرها جهاد کن.» (بورد، ۲۰۱۴ و ۷۸) و یا «به مؤمنان واقعی دستور می‌دهیم که همه غیرمسلمانان را بکشند.» (اسپینک ۲۰۰۵، ۲۰۱۰) بنابراین خشونت کتاب‌های مجاهدین در مطالعات آموزشی غرب، امری کاملاً شناخته شده و پذیرفته است.

کتاب‌های درسی خشونت‌آمیز جهادی به سال‌های جهاد محدود نماند، بلکه تا سال ۲۰۰۶ برای صنف ابتدایی و تا سال ۲۰۱۱ برای صنف متوسطه به دلیل تأخیر در تشکیل نصاب و تولید کتاب‌های جدید مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۲۰۰۱، سازمان توسعه ایالات متحده آمریکا برای نمایش شتاب‌آلود موفقیت آمریکا در افغانستان و دانشگاه نبراسکا به خاطر مشوق‌های مالی کتاب‌های جهادی را بازچاپ و پخش کردند. برای رسیدن به این اهداف، این نهادها وزیر معارف افغانستان آن دوره، یونس قانونی، را متقاعد کردند که کتاب‌های خشونت‌پرهیزی که توسط یونیسف تولید شده بود، در حد لازم مذهبی و افغانی نبود و بنابراین استفاده از آن کتاب‌ها جامعه مذهبی افغان را در برابر او قرار خواهد داد (سپینک ۲۰۰۷، ص ۲۰۱۴). البته چاپ و توزیع آن کتاب‌ها به دلیل پافشاری وزیر معارف (یونس قانونی) بر نشر عکسش در صفحه نخست تمام کتاب‌های درسی، ماه‌ها به تعویق افتاد (سپینک ۲۰۰۷). آن کتاب‌ها بالاخره در پاکستان با کیفیت نازل چاپ شد تا در افغانستانی که چاپ و نشر آن کتاب‌ها به توسعه اقتصاد کشور کمک می‌کرد. چاپ کتاب‌ها در پاکستان ابزار دم‌دستی شد برای حکومت پاکستان جهت نفوذ در نظام معارف و همچنان فشار بر دولت افغانستان. مثلاً پس از یک درگیری مرزی که سبب کشته شدن ۲۴ سرباز پاکستانی شد، دولت پاکستان در کنار بستن مرز خود به روی ناتو، انتقال چهارونیم میلیون کتاب درسی به افغانستان را ماه‌ها به تعویق انداخت تا از این طریق دولت افغانستان را در حوزه معارف کلافه کند (رادویو آزادی ۲۰۱۲). به هر صورت، آن کتاب‌ها بالاخره به افغانستان رسید و به این ترتیب، میراث جهاد و پیشینه همکاری جهادی‌ها با دانشگاه نبراسکا سبب به دوران افتادن کتاب‌های پرخشونت جهادی در مکاتب افغانستان تا ۲۰۱۱ گردید.

علاوه بر دوام سیاست جهادی در افغانستان و رابطه دانشگاه نبراسکا با شیوه آموزش جهادی که شایق بازچاپ این کتاب‌ها بود، انگیزه مالی نیز در چاپ مجدد و پخش آن در مکاتب افغانستان نقش داشت. برای چاپ آن کتاب‌ها، تنها در سال ۲۰۰۲ حدود ۹۰ میلیون دالر اختصاص شده بود و توماس گویتیر،

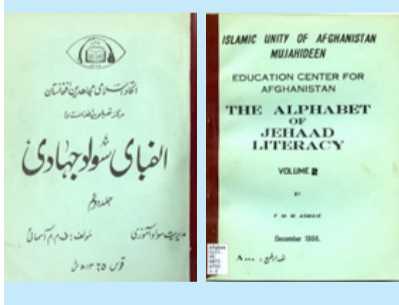
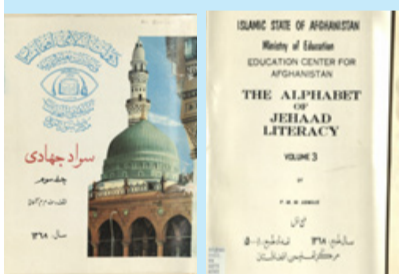
رئیس مطالعات و برنامه‌های بین‌المللی دانشگاه نبراسکا، هنگامی که هنوز نقش انتشارات این دانشگاه در ترویج کتاب‌های حاوی خشونت جهادی مورد نقد عمومی قرار نگرفته بود، به رسانه‌ها گفت که دانشگاه او تنها در سال ۲۰۰۱ قرارداد شش‌ونیم میلیون دالری برای بازچاپ کتاب‌های جهادی دریافت کرده بود (وارنر ۲۰۰۱، ۸۰۰). این نکات نشانگر درهم‌تنیده‌گی انگیزه‌های سیاسی، مالی و ایدئولوژیک در تولید کتاب‌های خشونت‌زای جهادی از دهه هشتاد تا سال ۲۰۱۱ است.

کتاب‌های درسی جهادی تا آن حد خشونت‌آمیز بود که دولت افغانستان از آغاز ایجاد دولت جدید پس از سقوط طالبان مجبور شد تا در اسناد ملی که بخشی از خواننده‌گان آن نهادهای تمویل‌کننده غربی بود، از تعدیل و اصلاح محتوای کتاب‌ها مبنی بر حذف ایدئولوژی گزارش دهد. مثلاً این وزارت در سند «نصاب تعلیمی ملی» اعلان داشت که «بلافاصله پس از جنگ، کتاب‌های درسی کشورهای همسایه با سیستم ما تنظیم شدند...» (وزارت معارف افغانستان، ۲۰۰۳، ص ۱۲) نخستین «برنامه استراتژیک آموزش ملی وزارت معارف» تأیید کرد که کتاب‌های درسی که توسط دانشگاه نبراسکا در سال ۲۰۰۲ در پاکستان تولید شده بود، اصلاح گردید تا تمام ارجاعات به خشونت مستقیم حذف شود. (وزارت معارف افغانستان، ۲۰۰۶، ص ۳۷) این برنامه به‌طور صریح گزارش داد که بازنگری کتاب‌های درسی «برای اطمینان از این‌که ایدئولوژی‌های سیاسی خاصی در متون گنجانده نشوند» انجام شده است. (ص. ۳۷) همچنان «برنامه موقت آموزش وزارت معارف» نشان می‌دهد که ۱۴۷ عنوان کتاب درسی جهادی بین صنف ۷ تا ۱۲ تا سال ۲۰۰۸ تجدید نظر شده و ۲۳ میلیون نسخه از این کتاب‌ها چاپ شده است. (وزارت معارف افغانستان، ۲۰۱۱) اما ظاهراً خشونت‌زدایی از کتاب‌های درسی مکاتب به دلیل شتاب‌زده‌گی سیاسی در آن دوره مبالغه‌آمیز گزارش شده بود؛ زیرا ادبیات جهادی در آن کتاب‌ها همچنان حاکم بود. توماس گویتیر، رئیس مطالعات و برنامه‌های بین‌المللی دانشگاه نبراسکا، در مصاحبه‌ای که قبل از رسوایی محتوای کتاب‌های درسی جهادی در نظام پس از ۲۰۰۱ انجام شده بود، خلاف گزارش وزارت معارف تأکید می‌کند که «بیشتر تغییرات جزئی و شامل ده تا سی تغییر در هر کتاب بود.» (وارنر ۲۰۰۱، ص ۸۰۰) خلاصه این‌که کتاب‌های درسی تنظیم‌های جهادی با انگیزه جهاد و در پی مشوق‌های مالی به شیء ایدئولوژیک تبدیل شده بود که هدف آن تلقین جهاد و زیرمجموعه‌های خشونت‌بار آن در ذهن کودکان افغانستان بود.

بخش دوم: معرفی و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جهادی

این بخش نوشته حاضر کتاب‌های درسی جهادی که معرفی شد را به‌عنوان مستندات بحث بالا به بررسی می‌گیرد. کتاب «سوادآموزی جهاد» در سه جلد در ۱۹۸۷ چاپ شد. جلد نخست شامل ۲۸۸ صفحه، جلد دوم دارای ۲۱۱ صفحه و جلد سوم حاوی ۲۷۳ صفحه است. در کنار این کتاب‌ها، کتاب درسی «الفبای سواد جهادی» چاپ ۱۹۸۶ که جلد دوم نسخه قبلی این سلسله کتاب‌هاست، نیز محل تحلیل این نوشته است. این کتاب به‌طور استثنایی و متفاوت از سه کتاب دیگر مختصراً به موضوع زنان نیز اشاره کرده است. محتوای این کتاب‌ها در کتاب‌خانه مجازی دانشگاه نبراسکا (ناشر) قابل دست‌رس است. این کتاب‌ها صفحه‌به‌صفحه مرور و براساس تسلسل موضوعات در این بخش تحلیل و توضیح شده است. در کنار نقش دانشگاه نبراسکا به‌عنوان کمک‌کننده تخنیک‌ی نصاب و سازمان توسعه ایالات متحده آمریکا به‌عنوان تمویل‌کننده مالی کتاب‌های جهادی، بررسی ناشران ایدئولوژیک این کتاب‌ها نیز اهمیت دارند. از تصاویر پشتی‌های این کتاب‌ها می‌توان گفت که آن‌ها با سرنامه «اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان» که با حزب اتحاد اسلامی رسول سیاف تفاوت دارد، چاپ می‌شد. «اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان» در آستانه خروج قوای شوروی که احتمال سقوط جمهوری داکتر نجیب‌الله را بالا برده بود، به غرض اتحاد میان تنظیم‌های جهادی به وجود آمد تا اختلافات درونی خود را بر سر تقسیم قدرت با پادرمیانی عرب‌ها و پاکستانی‌ها از بین ببرند. اساس‌نامه این نهاد تحت عنوان «خط مشی اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان» تفاوتی با ادبیات طالبانی ندارد. بخشی از این سند تأکید می‌کند که

«اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان که متشکل از تنظیم‌های اسبق مجاهدین مسلمان افغانستان بوده و از وحدت کلی آن‌ها به میان آمده است، به‌حیث تنظیم مستقل و واحدی در صدد آن است تا به منظور آزادی کشور و اقامه نظم صد درصد اسلامی که آرمان قاطبه ملت و صدها هزار شهید به خون خفته ماست، مبارزات خسته‌گی‌ناپذیر ملت مومن خویش را در همان مسیر رهبری کند که اسلام عزیز به خاطر رهبری سالم زنده‌گی انسانی و آزادی بشر از ذلت و اسارت تعیین نموده است...» (سال نامعلوم، صفحه ۲). از اساس‌نامه «اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان» که کتاب‌های جهادی بر محور آن تولید و توزیع شده، برمی‌آید که «تطبیق صد درصد نظم اسلامی» و استفاده از «اسلام عزیز به خاطر رهبری سالم زنده‌گی انسانی و آزادی بشر از ذلت و اسارت» چشم‌انداز آینده افغانستان پنداشته می‌شده است. هرچند روشن نیست کتاب‌های بررسی شده در این بخش در کدام صنف تدریس می‌شده، اما متن آن‌ها می‌رساند که کتاب‌ها غرض سوادآموزی کودکان و بزرگسالان به چاپ رسیده است. براساس تیراژی که در پشتی هر کتاب نمودار است، در هر دور هزاران جلد از این کتاب‌ها چاپ و نشر می‌شده است. دانشگاه نبراسکا ناشر این کتاب‌هاست. تصاویر پشتی کتاب‌ها نشان‌دهنده عنوان سواد جهادی و صفحه نخست آن اثبات نشر آن توسط این دانشگاه است.



در این کتاب‌ها حروف نه با تسلسل الفبا، بلکه براساس اهمیت آن‌ها معرفی شده است. به همین دلیل به‌شکل نامتعارف چینش حروف طبق موقعیت آن‌ها در آغاز کلمه نیامده است. چنان‌چه در تصاویر ذیل می‌بینید، اولین حرف «الف» است که آن را در کلمه «خدا» به کار برده‌اند، دومین حرف «ل» است و در کلمه «رسول خدا» به کار رفته است و سومین حرف «ق» است که در کلمه «قرآن» ذکر شده است. این تسلسل نامتعارف حروف الفبا همچنان براساس اهمیت موضوعی کلمات ردیف‌بندی شده است. مثلاً «ایمان» و «جهاد» قبل از «وطن» و «آزادی» آمده است. همین‌طور «دهشکه» و «بمب» قبل از «معلم» معرفی شده است. به این ترتیب، کتاب‌های درسی از آغاز ارزش‌های جهادی را اولویت‌بندی کرده است. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



استفاده از کلمات ترکیبی برای ساختن جملاتی چون «قرآن قانون جهاد ماست» و «رسول الله قوماندان اعلی مجاهدین است» نشانه درهم‌آمیزی اسلام و جهاد است. به تصویر ذیل نگاه کنید:



همچنان کاربرد کلماتی چون «افغان»، «مسلمان»، «غیرت» و امثال آن در ترداد با «مجاهد» نشانگر کار منسجم برای خلق ادبیات جهادی و جاسازی آن در سیستم‌های ارزشی جامعه از طریق نظام آموزش است. در ادبیاتی که این سیستم می‌آفریند «جان دادن برای آزادی» عبارت از «جهاد» است. جهاد یعنی مبارزه و فداکاری برای آزادی. به تصاویری از صفحات این کتاب‌ها نگاه کنید:



تجارب زیسته مانند «مهاجرت» و عواطف انسانی مانند «ژاله‌ژاله اشک ریختن یتیم مسلمان» برای احساسی ساختن بیشتر مفهوم جهاد به کار رفته است. به تصاویر ذیل از صفحات این کتاب‌ها نگاه کنید:



سیاست زمین سوخته طالبان...

در دوران بیست‌ساله جمهوری، فضای باز به‌وجود آمد و افراد و نهادهایی با استفاده از این فضای باز، کارهای قابل توجهی در زمینه بازخوانی تاریخ چند دهه اخیر انجام دادند. اکنون برای کسی که در تاریخ پژوهش می‌کند لازم است به این کارها توجه نشان دهد و گرنه حاصل کارش ناقص و ابتر خواهد بود. با آن‌هم، نقیصه عمده بیش‌تر این بازخوانی‌ها این بود که گزینشی و گاهی حزبی و ایدئولوژیک با مسایل برخورد می‌کرد و از دآوری بی‌طرفانه راجع به حوادث چند دهه پسین، طفره می‌رفت. در حال حاضر وضعیت به‌گونه‌ای است که دستیابی به پژوهش بی‌طرفانه در مورد تاریخ چند دهه آخر، کار دشواری است. بیش‌تر این بازخوانی‌ها به‌جای این که روندها را به‌صورت جامع و مانع مورد مطالعه قرار دهد، به تمرکز بر شخصیت‌ها و قهرمان‌تراشی دست زده و نقش عوامل دیگر در خلق روندها و حوادث را یا به کلی نادیده گرفته و یا در بهترین حالت، کم‌اهمیت ثابت کرده است. بدون شک چنین رویکردی نه‌تنها جذابیتی برای مخاطبان کنج‌گاو و آگاه ندارد بلکه اساساً علمی و بر بنیادهای محکم استوار نیست. عامل دیگری که به احتمال مانع مستند شدن فجایع ماه اسد ۱۳۷۸ در شمالی شده، شرم‌آور بودن برخی از آن حوادث است. گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر این‌که طالبان و گروه‌های تروریستی همپیمان آن‌ها، در کنار جنایت‌های دیگری که در حق ساکنان این جغرافیا مرتکب شدند، بر شماری از دختران و زنان این منطقه تجاوز جنسی کردند و برخی از آنان را به اسارت بردند. معلوم نیست چه تعداد از دختران در طی این حوادث مورد هتک حرمت قرار گرفتند یا به اسارت برده شدند؛ اما احتمال دارد کوشش مردم شمالی برای فراموشی این حوادث دردناک ناشی از این باشد که نمی‌خواهند به مسایلی بپردازند که در عین حالی که دردناک است، در عرف رایج «شرم‌آور» هم است. مردم افغانستان نسبت به مسایل ناموسی به‌شدت حساسند و کم‌تر کسی حاضر است در مورد این مقولات با صراحت و بدون لکنت زبان حرف بزند. اما در این میان، دردناک‌تر این است که سکوت در برابر جنایت‌ها و مخفی نگه داشتن آن، به نوعی آب ریختن به آسیاب جنایت‌پیشه‌گان است.

عامل دیگری که احتمالاً در مستند شدن فاجعه اسد ۱۳۷۸ خورشیدی در شمالی نقش دارد، تلاش این مردم برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌شان در برابر طالبان است. ظاهراً آن‌ها نمی‌خواهند اعتراف به شکست کنند و داستان‌هایی را شرح دهند که یادآور زبونی و ذلت‌شان باشد. روی هم رفته روان‌شناسی جمعی مردم افغانستان به‌گونه‌ای طراحی شده

بلینکن: روسیه در تلاش خرید سلاح از کوریای شمالی است



شود. او با اشاره به سفر سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه به کوریای شمالی گفته است: «شدیداً شک دارم که او [شویگو] به آن‌جا [کوریای شمالی] برای رخصتی رفته باشد.»

وی تصریح کرده است: «ما شاهد هستیم که روسیه به‌خاطر نیاز مبرم در جست‌وجوی حمایت تسلیحاتی است.»

این در حالی است که روز پنج‌شنبه هفته گذشته کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی با وزیر دفاع روسیه، روی مسایل نظامی و محیط امنیتی منطقه‌ای دیدار کرده بودند.

دولت بایدن کوریای شمالی را به ارایه تسلیحات به روسیه برای کمک به جنگ این کشور در اوکراین متهم کرده، اما پیونگ یانگ این ادعای واشنگتن را رد کرده است.

این در حالی است که رهبر کوریای شمالی پس از محدودیت‌های سفر ناشی از کرونا، از هیات‌های روسیه و چین دعوت کرد تا در رویدادهای آتش‌بس ۲۷ جولای ۱۹۵۳ شرکت کنند.

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا گفته، واشنگتن معتقد است که وزیر دفاع روسیه به‌منظور تامین تسلیحات نظامی به کوریای شمالی رفته است.

بلینکن که در استرالیا به‌سر می‌برد روز شنبه، ۲۹ جولای، افزوده که حمله نظامی روسیه به اوکراین اکنون به «بن‌بست» مواجه است و این موضوع مسکو را واداشته تا در جست‌وجوی سلاح از کوریای شمالی

عربستان سعودی به‌زودی مذاکرات صلح اوکراین را میزبانی می‌کند



روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال گزارش داده که عربستان سعودی قرار است در ماه پیشرو سال جاری میلادی، میزبان مذاکرات صلح در اوکراین باشد. قرار است مقام‌های ارشد بیش از ۳۰ کشور، از جمله کشورهای غربی، هند و برزیل در این نشست دو روزه که در پنجم ماه اگست در جده برگزار می‌شود، شرکت کنند.

بربنیاد این گزارش، اوکراین و مقام‌های غربی امیدوارند این نشست که بدون حضور مقام‌های روسیه برگزار می‌شود، زمینه حمایت بین‌المللی از شرایط مورد نظر اوکراین برای صلح را فراهم سازد. در بخشی از این گزارش آمده است که به‌گونه دقیق مشخص نیست که چه تعداد از کشورهای دعوت شده در این نشست حضور یابند، اما بریتانیا، افریقای جنوبی، پولند و اتحادیه اروپا حضور در این نشست را تایید کرده‌اند.

انتظار می‌رود جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، نیز که طی روزهای گذشته به عربستان سفر کرده بود، در این نشست شرکت کند.

انفجار در انبار مواد آتش‌بازی در تایلند؛ ۱۰ تن جان باخته و بیش از ۱۰۰ تن زخمی شدند

مواد آتش‌بازی شده است. به گفته او، این آتش‌سوزی اکنون تحت کنترل است. طبق گزارش‌ها، نوارهای تصویری منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی یک توده بزرگ دود را بر فراز سونگای کولوک، در ولایت ناراتیوات نشان می‌دهد. مقام‌ها معتقدند هنوز افرادی اند که در زیر آوار گیر کرده‌اند و منتظر نجات هستند. این در حالی است که امروز انفجاری در یک کارخانه آتش‌بازی در جنوب هند نیز رخ داد که در اثر آن هشت تن جان باخته و تعدادی دیگر زخمی شدند.

بربنیاد گزارش‌ها، انفجار در یک انبار مواد آتش‌بازی در جنوب تایلند دست‌کم ۱۰ تن را گرفته و بیش از ۱۰۰ تن دیگر را زخمی کرده است.

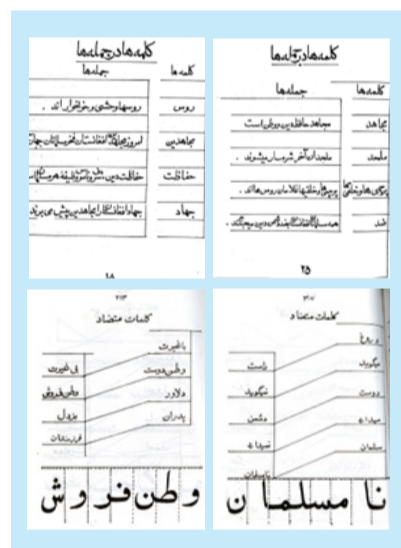
به گزارش رسانه‌های بین‌المللی، این رویداد حوالی ساعت ۳:۰۰ پس از ظهر روز شنبه، ۲۹ جولای، رخ داده است. سانان پونگ‌کسورن، فرمانده این ولایت گفته که انفجار به احتمال زیاد در اثر کار ساخت‌وساز در داخل انبار رخ داده که جرقه‌های ناشی از جوش کاری فلز باعث آتش‌سوزی و انفجار

جهادی سازی..

همچنان در نخستین تمرین‌های ساختن جمله، افعال با اوصاف و کلمات جهادی مانند «جهیه» درآمیخته شده تا «جهاد» عادی سازی و وارد مکالمات روزمره گردد. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



این کتاب‌ها همچنان «دیگری» را با کلمات «وطن فروش» و «نامسلمان» توصیف می‌کنند. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



«دیگری» در این کتاب‌ها همچنان «ملحد» و «بی‌دین» است و بنابراین «شر» و «شوم» توصیف می‌شوند. در صفحات ذیل هیچ ارزشی جز «دین» و «غیرت افغانی» اموری چون جهاد و مجاهد را مشروع نمی‌سازد. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



همچنان در این کتاب‌ها «دیگری» شامل مردم عام نیز می‌شود که با جملاتی چون «حزب و دولت نظام کمونیست اختیار همه چیز مردم را در دست خود دارد» و «ثمر کار مردم را دولت کمونیستی تاراج می‌کند» به شکل غلامان و اسیران جلوه داده می‌شوند. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



در مجموع «دیگری» در این کتاب‌ها نه تنها روس‌ها، بلکه

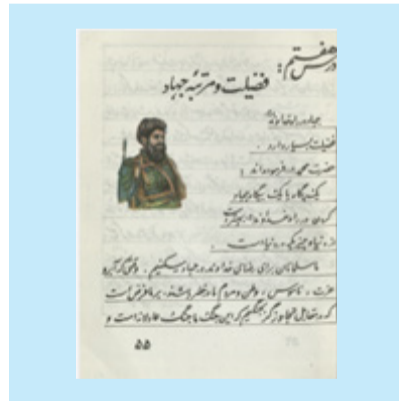
تمام نامسلمانان جهان‌اند و دشمن دانسته می‌شوند. در صفحات این کتاب‌ها دیده می‌شود که «کمونیست‌ها و سایر کفار ملت واحد و دشمن مسلمانان می‌باشند» و به این دلیل «اخلاق اسلامی» حکم می‌کند که در برابر آن‌ها از «شدت» کار بگیرند. همچنان، جهاد در برابر نامسلمان (کفار) در «دل مسلمان» باید باشد. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



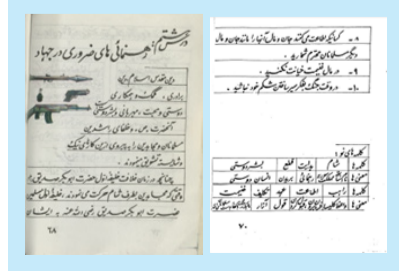
تلاش مولفان کتاب‌های درسی جهادی این است که شاگردان را با جملاتی که کلیدواژه‌های آن‌ها «جنگ»، «جهاد»، «غازی»، «شهید» و راه یافتن به بهشت و با عزت شدن نزد خداست، راهی خوشونت بسازند. به صفحات ذیل نگاه کنید:



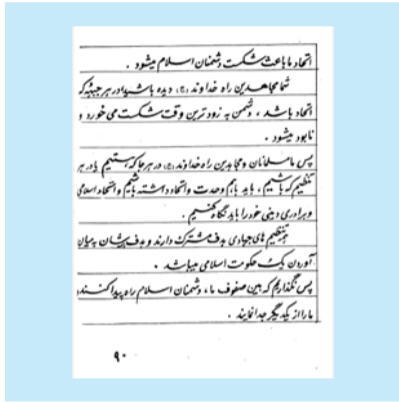
تشویق و ترغیب به جهاد در این کتاب‌ها بی‌پایان است. به طور مثال، در یکی از صفحات این کتاب‌ها از پیامبر اسلام چنین نقل قول می‌شود: «یک پگاه یا یک بیگانه جهاد کردن در راه خدا بهتر است از دنیا و چیزی که در دنیاست.» به تصویر ذیل نگاه کنید:



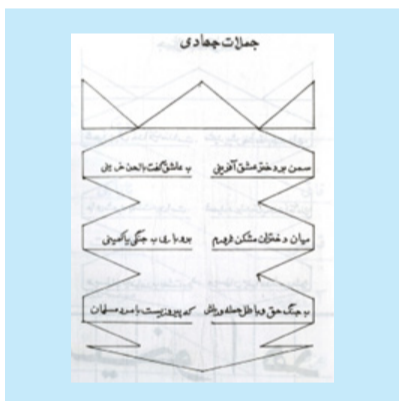
متن کتاب‌ها از این نیز فراتر رفته، به طور عملی چگونه اجرای جهاد را تبلیغ می‌کند و نهایتاً «رهنماهای ضروری در جهاد» نگه‌داری جان و مال مسلمانان را مشروط به «اطاعت» آن‌ها می‌داند. از این متن چنین می‌توان استنباط کرد که «اطاعت» نکردن فرد مسلمان از فرامین جهادی‌ها، جان و مال آن‌ها را در خطر خواهد انداخت. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



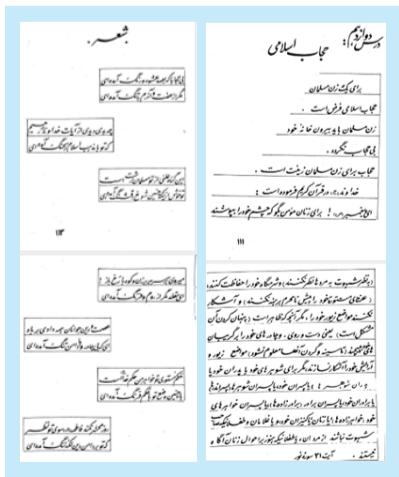
جلد سوم این کتاب‌ها با استفاده از ضمیر «شما» و «ما» هویت «مجاهد» بودن را بر خواننده تحمیل می‌کند. به تصاویر ذیل نگاه کنید:



نقش زنان در سپهر عمومی از متن این سه کتاب غایب است. تنها در موردی که به زن اشاره شده است، درباره ناچار بودن کشتن زنان در جریان جهاد است. (جلد سوم صفحه ۶۹) با این حال از دختران برای برانگیختن غیرت مردانه جهت حضور در جهاد نیز استفاده شده است. به صفحه ذیل نگاه کنید:

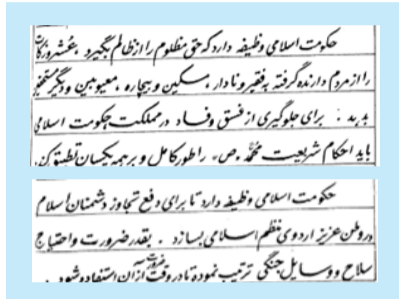


یکی از مضامین این کتاب‌ها که به حجاب زنان پرداخته، در آن متن و شعری بازنه یافته است که با ادبیات طالبانی تفاوتی ندارد. در متن این فصل آیت ۳۱ سوره نور ذکر و توضیح شده است که «زنان مومن» ملزم‌اند تا حجاب بپوشند و سینه و گردن‌شان را با چادر و چشم خود را از نگاه پرشهووت بر مردان بپوشانند، از «شرمگاه» خود حفاظت کنند، زیور و آرایش خود را تنها به شوهران، برخی از اعضای نزدیک خانواده، کنیزان و غلامان، «طفلان» که صاحب شهوت نباشند» و «اطفالی که هنوز بر احوال زنان آگاه نیستند» نشان دهند. شعری که درباره بی‌حجابی در یکی از صفحات این کتاب‌ها آمده است، بی‌حجابی را همچون جنگیدن علیه اسلام توضیح کرده و داشتن «خ باز» زن را «لکه ننگ بر دامن دین» طعنه زده است. به صفحات ذیل نگاه کنید:



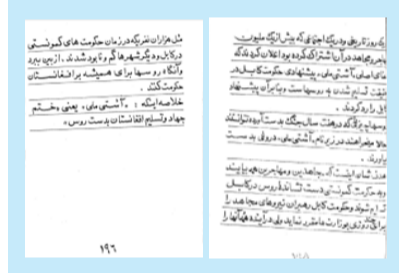
پیام تطبیق کامل شریعت برای از بین بردن «فسق و فساد» و ایجاد «اردوی منظم اسلامی» این کتاب‌ها را بیشتر به باورهای طالبانی نزدیک می‌کند. به صفحه ذیل نگاه

کنید:

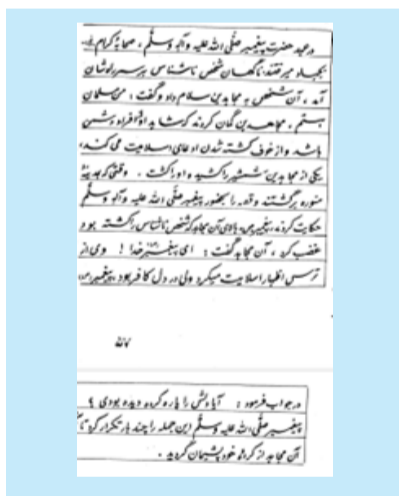


(جلد سوم، ص ۱۰۰)

با وصف خروج و شکست روس‌ها، کتاب‌های درسی برنامه مصالحه ملی داکتر نجیب‌الله را در کتاب‌ها به عنوان ریاکاری و تسلط‌طلبی روس‌ها جلوه داده است. این موضع‌گیری یادآور ناباوری طالبان در برابر کارکنان دولت پیشین و امکان ایجاد خطر توسط آن‌هاست. به صفحات ذیل نگاه کنید:



بررسی این کتاب‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های جهادی بیشتر در پی تطبیق احکام اسلامی بودند تا ایجاد نظام سیاسی عادلانه مدرن در افغانستان. مثلاً یکی از صفحات این کتاب‌ها با استفاده از حدیث پیامبر پیامد کار مجاهدی را که مسلمان ناشناسی را کشته است، پشیمانی می‌داند. به صفحات ذیل نگاه کنید:



(جلد سوم، صص ۵۷-۵۸)

مباحث و نمونه‌های این نوشته نشان می‌دهد که نظام آموزشی گروه‌های جهادی، هم‌سان با نظام آموزشی مورد نظر طالبان است. پذیرش این که ارزش‌های مجاهدین و طالبان یک‌سان است، برای آن‌هایی که در بیست سال گذشته از داعیه جهاد دفاع کرده‌اند، مشکل است؛ اما باید دانست که ارزش‌های بنیادگرایانه اسلامی چه از نوع جهادی‌ها یا طالبانی، نمی‌شود معارف را کانون علم و روشنگری ساخت.

احتمال طرح نصاب تعلیمی توسط گروه طالبان این هراس را در افکار عامه ایجاد کرده است که کتاب‌های طالبان خشونت را در کشور ما باز تولید خواهد کرد.